



نشست «تأثیر فلسفه غرب بر فلسفه روز در ایران» برگزار شد

نشست «تأثیر فلسفه غرب بر فلسفه روز در ایران» در دانشکده فلسفه دانشگاه آزادبرلین برگزار شد.

به گزارش **خبرگزاری مهر**، به نقل از رایزنی فرهنگی ایران در برلین، نشست «تأثیر فلسفه غرب بر فلسفه روز در ایران» در تاریخ ۷ دسامبر ۲۰۱۶م/ ۱۷/۹/۱۳۹۵ در دانشکده فلسفه دانشگاه آزادبرلین برگزار شد در ادامه گزارش این برنامه آمده است:

در ابتدا با معرفی رئیس دانشکده فلسفه، دکتر بلاون که نماینده مؤسسه گوته در دانشگاه یاد شده بودند درباره چرایی این برنامه اشاره نمود که «از آنجائیکه قرار بود نمایشگاه نقاشی های موزه هنرهای معاصر در برلین برگزار شود، سلسله برنامه های معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی در حاشیه برنامه یاد شده همچون نشست کنونی تنظیم گشته بود». وی سپس تاکید کرد در سفر ۱۰ روزه ای که به ایران داشته دریافتی مردم ایران اطلاعات زیادی از فرهنگ و هنر آلمان در اختیار دارند اما این یک عدم تقارن را ایجاد می کند چرا که آلمانی ها اطلاعات زیادی در مورد ایران ندارند حتی تعداد زیادی از آنها هیچ گونه اطلاعاتی از فرهنگ ایران ندارند. بنابراین مؤسسه گوته بر آن شد که دریابد در دنیای فلسفه ایران معاصر تقابل بین سکولاریسم و سنت گرایی چگونه در جریان است. آیا همان چهره های اروپایی که سردمداران دانش فلسفه در اروپا هستند در فرهنگ ایران تأثیر بسزایی می گذارند؟ و اینکه تأثیر این افراد باعث شده دانشگاه های فلسفه در ایران سمت و سوی امروزی میل پیدا بکنند.

پس از این مقدمه رومن زایدل به عنوان میزبان برنامه، حسین مصباحیان از دانشگاه تهران و میثم سفیدخوش از دانشگاه شهید بهشتی را معرفی کرد، زایدل که خود مشغول انجام دوره پسادکتری در دانشگاه برلین هست بدین موضوع توجه دارد که چرا فلسفه شرق تأثیر چندانی بر فلسفه معاصر غرب ندارد؟ وی با مقدمه و اشاره ای به سیر تحولی فلسفه در ایران و نام بردن از بزرگانی چون ملاصدرا، سبزواری و دیگران فلسفه را جزئی از علوم ریشه دار در ایران دانست. پس از آن نیز به دیگر شخصیت های مهم ایرانی پس از انقلاب از جمله شهید مطهری و علامه طباطبایی پرداخت و ایشان را به عنوان مهم ترین شخصیت های فیلسوف پس از انقلاب در ایران معرفی کرد.

وی اشاره کرد: دیدگاه فلسفه در ایران همیشه دوسویه بوده و همیشه در کنار فلسفه شرقی و اسلامی، دانشمندان به فلسفه غربی نیز توجه داشتند و آن را مطالعه می کردند.

پس از زایدل سخنرانی های دو محقق ایرانی با بیان محورهای ذیل آغاز شد و مصباحیان گفت: ایشان با توجه به مراجعی که فلاسفه معاصر غرب می دادند لغت یا لفظ «مدرنیته» را به عنوان یک لغت که به تنهایی و بدون هیچ توضیحی مورد استفاده قرار می گیرد، مورد انتقاد قرار دادند. در نگاه ایشان اینکه فلسفه به روز ایران تأثیر بسیار زیادی از غرب می گیرند، هیچ شکی نیست و باید این را هم اعتراف کرد که چیزی که ایرانی ها از غرب می گیرند این است که تئوری های غرب را برداشت می کنند بدون اینکه هیچ چیزی به آن بیفزایند. در ابتدای قرن نوزدهم میلادی سنتی که تا پیش از آن وجود داشت که حرکت به سمت مدرنیته توسط غرب و نگه داشتن سنت توسط شرق بود از بین رفت یعنی در واقع ایده ای که در مورد اختلاف این دو منطقه در زمینه فلسفه بود، حذف شد.

وی ادامه داد: امروزه مدرنیته به دو صورت در جوامع پایه ریزی می شود. صورت اول به صورت فرهنگی است. برای مثال مدرنیته فرهنگی باید از شروع فرهنگ های جدید نام برد. شروع فرهنگ هایی که با فرهنگ های قبلی در همان منطقه اختلاف فراوانی دارند. اما نوع دیگری از پایه گذاری مدرنیته، پایه گذاری غیرفرهنگی است که به صورت تغییر در فرهنگ و به صورت کاملاً طبیعی و تدریجی صورت می گیرد مثل پیشرفت سکولاریسم در ادراک مردم. افراد روشنفکر در جوامع، امروزه شاهد حرکت دسته ها و توده های مردم و از دست رفتن چارچوب های سنتی هستند و این تقریباً در دو بیست سال اخیر کاملاً مشهود بوده است. یکی از جامعه شناسان آلمانی بر این باور است که مدرنیته به عنوان یک لغت نمی تواند گویای اتفاقی باشد که در عصر حاضر برای انسان معاصر اتفاق می افتد، بنابراین لغت «مدرنیته دوم» را مورد استفاده قرار داده است. این فرد معتقد است آنچه ما به عنوان پُست مدرن یا پسااستراتژی و واسازی در نظر می گیریم، تنها توصیفی از موقعیت حال حاضر است و به این معنا نیست که می تواند موقعیت حال حاضر را حل کند و به متفکران امروز راه حلی برای حل مشکلات امروز ارائه دهد.

مصباحیان گفت: بله ما در دنیای امروز، دیگر آن ارتباط سخت و بسیار قوی بین دولت و مردم را نداریم ما باید در مورد محلی شدن صحبت کنیم. جاهایی که ما در آنها زندگی می کنیم به علت مهاجرت های بسیار دستخوش تغییرات بسیاری می شوند و ما نمی توانیم تعریفی از فرهنگ در این مناطق ارائه بدهیم و در طی سال ها بر قوت خود باقی بماند. غرب تعریفی از موفقیت ارائه داده و دنیای شرق بر این باور است که اگر از آن پیروی کند می تواند به موفقیت دست پیدا کرده و به کلان شهر یا به مرکز منطقه تبدیل بشود. دنیا نباید از این پدیده غرب پیروی کند چرا که غرب حتی اگر هم چنین تعریفی را ارائه داده باشد برای موفقیت مردم خود در آن منطقه خاص و آن زمان مشخص ارائه تعریف داده است. ما نباید مدرنیته را به صورت جمعی به مردم ارائه دهیم. هر کسی تعریفی متفاوتی با توجه به موقعیت زمانی و مکانی جامعه خود باید ارائه دهد. اما اینکه چرا نمی توان مدرنیته را به صورت جمعی ارائه داد چند مورد وجود دارد. مهمترین آن این است که اگر ما تعریفی از مدرنیته را یا مدرنیته را به صورت جمعی ارائه بدهیم جهانی بودن تاریخ مورد سؤال قرار می گیرد.



وی افزود: یکی از بهترین مثال‌ها این است که شرق توانایی تعریف یا ثبت تاریخ خود را ندارد چرا که غربی‌ها هستند که تاریخ خود و تاریخ شرقی‌ها را می‌نگارند و اگر جامعه جهانی به صورت مدرنیته جمعی عمل بکند همه بر این باور خواهند بود که شرق توانایی بازگردن تاریخ خود را ندارد و این باعث از دست رفتن نکات فرهنگی و تاریخی بسیاری خواهد شد. نکته منفی دیگر در زمینه جمعی در نظر گرفتن مدرنیته این است که عوامل مدرنیته از جایی به جای دیگر با هم متفاوت هستند. برای مثال عامل اصلی جامعه امپراتوری عثمانی، پدرسالاری و مردسالاری بود در زمانی که در غرب فمینیسم در حال رشد بود. اما زنان در ایران کاملاً روند خود را طی کردند و از زمان انقلاب شروع به صحبت از حقوق زن شد. بنابراین روند صحبت از حقوق زن در ایران از هیچ‌یک از عوامل مدرنیته کشورهای غربی‌تر از خود پیروی نکرد. مورد سوم، در مورد نکات منفی، جمعی در نظر گرفتن مدرنیته این است که مدرنیته ابزاری نیست به این معنا که افراد به صورت مکانیزه شده و تعریف شده با همدیگر در ارتباط نیستند یعنی اگر یک جامعه‌ای راه‌حلی برای مدل ارتباطی افراد با یکدیگر ارائه بدهد ممکن است همین مدل ارتباطی در جامعه دیگری جوابگو نباشد، بنابراین باید اهمیت ابزاری نبودن یا مکانیکال نبودن مدرنیته را در نظر گرفت.

مصباحیان یادآور شد: در پایان آخرین نکته‌ای که در مورد اشتباه بودن، جمعی در نظر گرفتن مدرنیته، این است که ارتباط بسیار قوی‌ای بین مدرنیته و تمدن وجود دارد. هر تحقیقی باید پایه‌ریزی در تمدن موردنظر داشته باشد و مفهومی درست از تمدنی که می‌خواهد برای آن مدرنیته را ارائه دهد داشته باشد. تمام این تعریف‌هایی که منجر به این مفهوم تمدن می‌شوند، تنها فرهنگی نیستند، گاه قانونی هستند و براساس قوانین اساسی کشورها پایه‌ریزی می‌شوند. جوامع از همدیگر جدا نمی‌شود و در همدیگر حل نمی‌شوند بلکه اختلافاتشان را حفظ می‌کنند. مثلاً تجربه‌ای که ایران از یا گویش پسا استعماری داشته است بسیار متفاوت از کشورهای است که به صورت مستقیم در عصر استعمارگرایی تحت تأثیر کشور خاصی بوده‌اند. ما باید همواره این سؤال را ایجاد کنیم یا این نقد را در نظر داشته باشیم که مدرنیته نمی‌تواند جمعی و جهانی باشد.

در ادامه این نشست میثم سفید خوش گفت: مفهوم مدرنیته یک پدیدار است. هگل حقیقت را به عنوان یک پدیدار معرفی کرده است. هگل از افسانه استفاده کرد تا نزدیکی بین تاریخ و افسانه را ثابت کند و او اولین کسی بود که روایتی از تاریخ مدرنیته ارائه داد. او سعی کرد که به عقب بازگردد و روایت پایه‌های مدرنیته را بازگو کند. برای همین مورد توجه ایرانیان قرار گرفت. او منطق جدید و متفاوتی را ارائه داد به گونه‌ای تفسیری گرافیک از یک روایت منسجم از مدرنیته را عرضه کرد. هر عضوی از جامعه باید خود را به عنوان نقطه‌ای که در کره‌ای که جامعه را تعریف می‌کند بیابد. اولین جایی که هگل در تاریخ ایران مورد توجه قرار گرفت توسط یک سفیر فرانسوی در خاطراتش بازگو شده است. او می‌گوید که تعدادی از افراد ایرانی برای دیدن او آمدند و از او خواستند که از هگل برایشان بگوید.

وی افزود: اما او به علت ملیت فرانسوی خود مردم را به سمت دکارت سوق داد و حتی ترتیبی داد که ترجمه‌های فارسی دکارت در دسترس مردم قرار بگیرد. ایرانیان علاقه زیادی برای شنیدن داستان و روایت دارند و این چیزی است که در کارهای هگل برای آنها جذاب است و اینکه چرا سراغ شخص فرانسوی رفته‌اند در طی تاریخ ایرانیان علاقه داشتند که روایت‌هایی را از افراد ناشناس بشنوند که این شنیدن روایت را برای آنها جذاب‌تر می‌کرد. حالا چرا هگل؟! به خاطر اینکه هگل داستان مدرنیته را روایت کرده است. مردم علاقه دارند که کسی آنها را راهنمایی کند تا راه خود را به سوی دنیای مدرن پیدا کنند. هگل توسط ایرانیان کمونیست مورد استفاده و احترام قرار گرفت در حالی که ایرانیان اسلام‌گرا او را رد می‌کردند. دسته دوم از نظر علمی اشتباهی مرتکب می‌شدند چرا که دسترسی کامل آثار هگل به فارسی در زمان ابتدای انقلاب وجود نداشت. امروزه بعضی از مترجمان گمنام سعی می‌کنند که ترجمه‌هایی از هگل ارائه بدهند و این شکاف در دانش را تا حدودی پر کنند. قبل از ورود فلسفه غرب، فلسفه ما کاملاً بر فلسفه اسلامی تکیه می‌کرد و در مورد رویش حقیقت بود و حالا ما می‌توانیم از سنت‌های غربی برای پویش حقیقت در طول تاریخ استفاده کنیم. کاری که امروزه ما می‌توانیم انجام بدهیم این است که با توجه به اینکه هگل به صورت‌های متفاوت مورد استقبال در جامعه ایرانی قرار گرفته ما می‌توانیم به خوانش آثاری بپردازیم که برداشت‌های خود را از هگل در جامعه ایرانی ثبت کرده‌اند، استفاده بکنیم.

در ادامه جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد که اهم نکات مدعوین مواردی به شرح ذیل بود:

مصباحیان در پاسخ به سوالی که رئیس دانشکده فلسفه دانشگاه آزاد برلین مبنی بر اینکه آیا می‌توان به قاطعیت بیان کرد که ایران وارد مدرنیته شده است و اگر چنین است آیا فیلسوفی در ایران وجود دارد که بتواند چنین نظریه‌ای را کاملاً مورد بررسی قرار دهد و آن را ثابت کند؟ گفت: مسئله بسیار پیچیده‌تر از این حرف‌هاست. در زمان ملاصدرا فلاسفه ایرانی هنوز نظریات جدید و ناب ارائه می‌دادند. امروزه بیشتر فلاسفه معاصر کاری که می‌کنند این است که فرهنگ غرب را استفاده می‌کنند و آن را تفسیر می‌کنند. ما دیگر امروزه فیلسوفی در ایران نداریم که ایده‌های جدید و ناب ارائه دهد و اما اینکه چقدر از مدرنیته غرب اطلاع داریم در زمینه فلسفی فقط افرادی که در آکادمی و دانشگاه‌ها فعال هستند اطلاعات جامعی در دست دارند اما در زمینه عموم مردم و کل جامعه بیشتر آشنایی فرهنگ غرب با فرهنگ آن است نه با فلسفه و چارچوب‌های فلسفی آن.

سفیدخوش در پاسخ به همین پرسش گفت: در واقع روندهایی که برای پیروی از هگل وجود دارد امروزه فعالیت خود را گسترده‌تر کرده است و جوانانی که در صد شانس‌اندن کارهای هگل به جامعه هستند هنوز بسیار شناخته شده نیستند بنابراین در مورد پیروان هگل در ایران باید گفت که هنوز راه زیادی برای معرفی چهره‌ای خاص وجود دارد.

سفیدخوش در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر اینکه آیا استفاده از روایت‌شناسی‌های هگل در جامعه امروزه که مردم در صدد انجام آن هستند، در چه زمان و برهه‌ای مورد استفاده قرار خواهد گرفت و آیا این استفاده باعث تمییز بین خود و دیگری می‌شود یا خیر؟ افزود: دو گروهی که پیش از این عرض کردم که در مورد هگل نظراتشان را بیان کرده‌اند، یعنی گروه اسلام‌گرا و گروه چپ‌گرا، البته دیگری بودن دیگران را مورد توجه قرار می‌دادند اما این مسئله با تمرکز بیشتر به روی روایت‌شناسی انجام می‌شد تا تمرکز به روی علم.

مصباحیان در پاسخ به این سوال که آیا ایران جامعه‌ای مدرن یا پست‌مدرن در فاز دوم مدرنیته یا هرکدام از اینها می‌تواند نامیده شود؟ افزود: متأسفانه تقابل با سنت و فرهنگ هنوز در ایران صورت نگرفته است و برای همین ما هنوز وارد مدرنیته نشده‌ایم چرا که هنوز به شناخت درست سنت و سنت خود دست پیدا نکرده‌ایم.

پرسش دیگر این بود: امروزه متفکران آلمانی تشویق می‌شوند که در مورد جامعه غرب مدل‌سازی کنند و این مدل‌سازی فقط بر پایه مدرنیته نیست برپایه دموکراسی، حقوق انسان، آزادی و دیگر مسائل است. آیا در ایران هم مسائلی از این قبیل طرفدارانی برای تحقیق و بررسی دارد یا فقط بحث، بحث مدرنیته است؟ مصباحیان در پاسخ به آن یادآور شد: مدرنیته یک محصول است نه یک روند و در غرب این ثابت شده است. این اشتباه است که ما مدرنیته غربی را با سنت شرقی مورد مقایسه قرار دهیم. حقوق انسان تنها به سیاست می‌پردازد نه به مسائل اجتماعی و برای همین است که به راحتی آن را بین‌المللی می‌خوانند. اینکه وظیفه دولت‌ها چیست ارتباط زیادی با حقوق انسان پیدا نمی‌کند.

پرسش دیگر را نماینده مؤسسه گوته با عنوان جهانی بودن مدرنیته یا جهانی شدن مدرنیته آیا دارای یک روند تاریخی خطی است؟ پرسید که سفیدخوش در پاسخ به آن گفت: اگر ما مدرنیته را یک ذات ثابت در نظر بگیریم می‌توانیم چنین ادعایی بکنیم که از یک نقطه‌ای از زمان یا هنوز ادامه دارد یا متوقف شده است اما واقعیت این است که مدرنیته یک پدیدار است و پدیدارها در زمان و مکان مشخصی شروع نمی‌شوند. هگل برای صحبت از جهانی شدن دنیای مدرن از تاریخ استفاده کرده و شاید این مدل تاریخی-خطی‌ای باشد که شما از آن نام می‌برید اما آن هم صددرصد ماهیت ترتیب زمانی را در خود ندارد.



مطالب پیشنهادی از سراسر وب



«گرانترین» خانه زعفرانیه را در «اینپین» بباید «+قیمت»



پیشنهاد ویژه دیجی‌کالا برای خرید لاستیک



خرید لوازم خانگی زیر قیمت کل بازار فقط در زنبیل



چطور کنکور ۱۴۰۰ رو دانشگاه تهران قبول شم؟



در ماشین نو قیمت روز بگیر با اطمینان خرید کن!



چطور کنکور سال دیگه رو قبول شم؟

پیشنهاد توسط

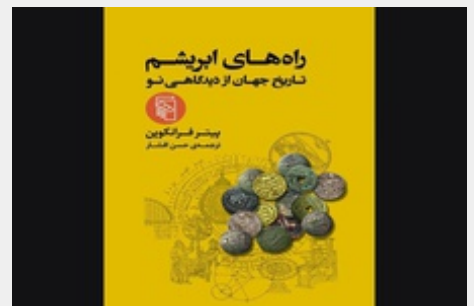
مطالب مشابه



نمایش عکس‌های مرتبط با نهضت مشروطه تا انقلاب اسلامی



ترجمه «کانت و مسئله متافیزیک» نوشته هایدگر به زودی منتشر می‌شود



تاریخ جهان از دیدگاهی نو چاپ شد/افشاگری وابستگی‌های غرب به شرق

